

نیروهای ویژه حافظ آثار هنری در ایتالیا

ایتالیا اولین کشوری است که برای مقابله با قاچاق آثار هنری نیرویی ویژه تشکیل داده است. کارآگاهان برای تعقیب قاچاقچیان به نقاط دوردستی مانند جامائیکا می‌روند و به‌عنوان یک تیم نمونه در تمام اروپا انجام وظیفه می‌کنند.

فابیو ایسمان

خبرنگار ویژه روزنامه ایل میساکپرو در رم

گالری‌های لندن درحالی که تابلوی نقاشی را زیر بغل داشت دستگیر کرد. کانفورتی ماجرای بیست و نه نقاشی را (شامل یک نقاشی پروگینوتی) که در ۱۹۸۷ از گالری نقاشی وابسته به شهرداری در دهکده‌ای نزدیک پروچیا در مرکز ایتالیا دزدیده شده بودند دنبال می‌کرد. در جست‌وجوی خود به مشارکت مقامات شش کشور در سه قاره جهان نیاز داشت. رد پای آنها را در سفری طولانی به کینگستون جامائیکا یافت و در آنجا یک سناتور سابق جامائیکایی را که به دو سال کار سخت محکوم شده بود دستگیر کردند. نقاشی‌های سرقت شده هیچ صدمه‌ای ندیده بودند.

در جست‌وجوی اثری از ونگوگ

گروه ویژه کارابینری در فعالیت‌های شناسایی سایر کشورها نیز شرکت می‌کنند. در ۱۹۸۶ یک ماشین زره‌پوش در دوبلین سرقت شد. این ماشین حامل هجده اثر متعلق به یک مجموعه‌دار ایرلندی بود. این آثار نقاشی‌هایی از ورمیر، گویا و روبنس به ارزش پنجاه میلیون پوند استرلینگ (۲/۳ میلیون دلار) را شامل می‌شد. کانفورتی می‌گوید: «آن سرقت ما را بار دیگر به قاچاق مواد مخدر و سرقت پول‌های در گردش در مناطق ساحلی مانند آنتیگوآ در کارائیب و جزیرهٔ من، در بریتانیای کبیر راهنمایی کرد».

پلیس ترکیه در ۱۹۹۰ یکی از تابلوها را در استانبول پیدا کرد. همکاران انگلیسی آنها سه تابلوی دیگر را که به لندن منتقل شده بودند بازگرداندند. این چهار اثر شامل تابلوی گویا و ورمیر - در ازای پس دادن وامی به یک دلال الماس به گرو رفته و در بانکی در لوگزامبورگ به امانت گذاشته شده بودند. گروه کارابینیری آنها را درحالی کشف کرد که دربارهٔ یک طرح پولشویی تحقیق می‌کرد. سه اثر شامل تابلوی روبنس هنوز پیدا نشده‌اند. گروه مبارزه با قاچاق آثار هنری که در ۱۹۶۹ تشکیل شده قدیمی‌ترین گروه در نوع خود در اروپاست. دلیل تشکیل این گروه میزان بالای غارت و سرقت در کشوری با ثروت‌های هنری و باستانی فوق‌العاده و عظیم است. گروه کارابینیری بیش از ۶۳۰ هزار سرقت را در سی سال گذشته گزارش کرده و حاصل تحقیقاتش کشف ۱۸۰ هزار اثر هنری و ۳۶۰ هزار اثر باستانی است. یک مأمور پلیس شرح می‌دهد که: «چهل درصد این آثار هنری از مجموعه‌های خصوصی و کلیساها دزدیده شده‌اند. در کلیساها فقط نقاشی‌ها سرقت



ژنرال کانفورتی سربلند (سمت چپ) در کنار گلدان‌های قدیمی پس گرفته شده در ۱۹۹۵.

ژنرال روبرتو کانفورتی می‌گوید: «همکاری پلیس بین‌الملل در کشف آثار فرهنگی در خارج از کشور اساسی بوده است. تاکنون هشتصد اثر کشف شده است.» رئیس گروه تخصصی حفظ میراث هنری به‌عنوان مثال داستان تابلوی نقاشی باکره اثر گراتزولی (۱۴۷۹ - ۱۴۲۰) را نقل می‌کند.

در ۱۹۹۵ این نقاشی از پیوه دی کالچی، کلیسایی در نزدیکی پیزا به سرقت رفت. کارآگاهی از اسکاتلند یارد که در یک باند مواد مخدر نفوذ کرده بود اعلام کرد مظنون را یافته است. بعد از کنترل تلفن سارق او را در مقابل یکی از

قاچاق اموال فرهنگی در کشور ما نظیر سرطان و عملی بسیار زشت و تنها با قاچاق مواد مخدر قابل مقایسه است. عاملان این قاچاق شبکه‌ای فرامرزی هستند که در این راه از انجام روش‌های جنایتکارانه نیز روگردان نیستند.

البرتو ماسا
وزیر امور خارجه پرو

رادر مقابل مجلس اعیان (انگلیس) بیان کند که اولین مورد برای یک نظامی ایتالیایی محسوب می‌شود. اقدام ایتالیا فراتر از اتحادیه اروپاست. یکی از مأموران می‌گوید: «ما یک گروه مجارستانی را تعلیم داده‌ایم. ایرانی‌ها و فلسطینی‌ها مایل‌اند در دوره‌های ما شرکت کنند. اخیراً در بانکوک در یازدهمین اجلاس کمیته بین‌دولتی استرداد یونسکو توصیه ما در مورد غیرقانونی اعلام کردن جراح‌های اینترنتی آثار تاریخی پذیرفته شد.»

هرچند تعیین تعداد آثار ربوده شده در حفاری‌های غیرقانونی غیرممکن است اما تعداد آنها در ایتالیا به دلیل اجرای روش‌های مراقبتی شدید رو به کاهش است. این مأمور می‌گوید: «پلیس ایتالیا سالانه سی هزار اثر هنری را پس می‌گیرد که برای پر کردن یک موزه کافی است. اما در مناطق دیگر غارت و سرقت رو به افزایش است: دزدان آثار تاریخی اکنون به لیبی، لبنان و قبرس روی آورده‌اند.»

عملیات گروه کارابینیری در مورد کشف نقاشی‌های جدید و آثار قدیمی هر دو با موفقیت‌های چشمگیری همراه بوده است. پس گرفتن دو نقاشی اثر ونگوگ (باغبان ورنستی از Arles) و یک اثر از سزان (cabanon) آخرین کار این هنرمند قبل از مرگش) که از گالری ملی هنرهای جدید رم دزدیده شده بودند فقط یک ماه طول کشید. کانفورنی می‌گوید: «ما همیشه هم این قدر موفق نیستیم. من تا تابلوی «تولد» اثر کاراواجیو را که در ۱۹۶۹ در پالمو به سرقت رفته پیدا نکردیم راضی نمی‌شوم. تصور نمی‌کنم این اثر نابوده شده باشد اما بیم آن را دارم که در اختیار مافیا باشد.»

نمی‌شوند، اشیای حجیم مربوط به مراسم عشای ربانی بسیار پرطرفدار هستند. جاعلان آثار هنری نیمکت‌های کلیساها را نیز می‌ربایند و از آن برای کشیدن نقاشی‌های جعلی استفاده می‌کنند. وقتی چوب (قاب) نقاشی‌ها را بررسی کنند، قدمت چند فرنی آن ثابت می‌شود. گروه صدو چهل و پنج نفره مبارزه با قاچاق آثار هنری به‌زودی گسترش پیدا می‌کند و به صدو هشتاد و پنج نفر در یازده شهر افزایش می‌یابد. ژنرال کانفورنی می‌گوید: «ما نه باستان‌شناس هستیم نه کارشناس تاریخ هنر. تنها چند ماه در این زمینه‌ها آموزش دیده‌ایم. ما کارآگاهان بلندپایه‌ای هستیم و اگر به نظر یک کارشناس نیاز داشته باشیم با وزارت امور فرهنگی مشورت می‌کنیم.»

گروه کارابینیری بزرگترین بانک اطلاعاتی را اداره می‌کند که از طریق اینترنت قابل دسترسی است: این بانک اطلاعاتی شامل ۱۱۰۰ هزار اثر هنری سرقت‌شده است که از این تعداد ۳۰۰ هزار مورد خارج از مرزهای ایتالیا هستند. طی چند سال گذشته، کشورهای اروپایی با پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی یونسکو همکاری گروه‌های پلیس را در مرزهای مختلف آسان‌تر کرده‌اند.

ایتالیا در این مورد اغلب پیشگام

بوده است. فرانسه نیز ساختاری مشابه اما در مقیاس کوچک را به‌وجود آورده است و اسپانیا هم آمادگی خود را برای پیروی از این روش اعلام کرده است.

قبل از اینکه بریتانیای کبیر در چهاردهم مارس ۲۰۰۱ به کنوانسیون ۱۹۷۰ بیوندد، مسئله جنجالی عمومی به پا کرد که در جریان آن از کانفورنی دعوت به‌عمل آمد که نظرات خود

پلیس ایتالیا سالانه

سی هزار اثر هنری را

پس می‌گیرد که برای

پر کردن یک موزه

کافی است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مایکل هوکون: زنگ خطر در بلژیک به صدا درآمده است.

مطلع، آثار نادر و کمیابی را که بعد از سقوط رژیم موبوتو از موزه کینشازا سرقت شده بودند در خیابانی باریک در پایین شهر بررسی می‌کردند. اما ماجرای که هرگز نباید اثری روی بلژیک می‌گذاشت موجی از وحشت را به سوی این قلمرو کوچک فرستاد. در آوریل ۲۰۰۰، روزنامه لیبراسیون فاش کرد که موزه جدید هنرهای دوران نخستین در لوور دو مجسمه کوچک نوک متعلق به نیجریه را با مبدائی غیرقانونی پیدا کرده است. در ابتدا، این رابطه‌ای بین آفریقا و فرانسه بود. اما به‌زودی روشن شد که مجسمه‌های کوچک از طریق بروکسل به فرانسه برده شده‌اند. در پایان همان سال، تلویزیون بلژیک گزارشی از فعالیت‌های بروکسل را نشان داد و این امر منجر به اعتراض شدید مردم شد. سناتور F.R. du v. دولت را زیر سؤال برد. بعد از سی سال بی‌تفاوتی که موجب پیشرفت تجارت لجام‌گسیخته شده بود، مقامات مسئول بالاخره تصمیم به پذیرش کنوانسیون یونسکو گرفتند. در توضیح علت به درازا کشیدن پذیرش کنوانسیون، وزارت امور خارجه به مشکلات سازمانی اشاره کرد. او توضیح داد که در ابتدا نظام فدرال باید تصمیم بگیرد که کدام مقام در این مورد صلاحیت و شایستگی دارد. وزیر امور خارجه در پایتخت به آن سناتور گفت: «من نمی‌گویم که این (روش منتظر باش و ببین) بهترین تصمیم بود که تا به حال در کشور ما گرفته شده است.

* کارگران فیلم مستند «مجسمه‌های نوک در انبار».

بلژیک مدت‌ها برای رسیدن به موفقیت در تجارت بسیار سودمند آثار هنری آفریقا تلاش می‌کرد. دلان این کشور را به خاطر موقعیت جغرافیایی‌اش در مرکز اروپا، ارتباط مستمر و دائمی با آفریقا، کارشناسان طراز اول، کانال‌های توزیع آسان و کنترل ضعیف پلیس بسیار مناسب می‌دانستند.

تلاش‌های نیجریه و مالی برای حفظ مجسمه‌های سفالی، بورکینافاسو برای مجسمه‌های کوچک سنگی، مردمی که در سواحل رودخانه چادر زندگی می‌کنند برای مینیاتورهایشان همه با شکست روبه‌رو شده‌اند. موضوع عجیب این است، گرچه صدور این آثار از آفریقا غیرقانونی است، اما ورود آنها به بلژیک که هیچ قانونی علیه این اقدام ندارد قانونی است.

بروکسل قبلاً به این موقعیت فوق‌العاده افتخار می‌کرد. تا چندی پیش در این شهر بورس بازی مرغوب‌ترین نمونه‌های مجسمه نوک (NOK) در اوج خود بود و مجموعه‌داران آگاه و مطلع، آثار نادر و کمیابی را که بعد از سقوط رژیم موبوتو از موزه کینشازا سرقت شده بودند در خیابانی باریک در پایین شهر بررسی می‌کردند.

اما ماجرای که هرگز نباید اثری روی بلژیک می‌گذاشت موجی از وحشت را به سوی این قلمرو کوچک فرستاد. در آوریل ۲۰۰۰، روزنامه لیبراسیون فاش کرد که موزه جدید هنرهای دوران نخستین در لوفور دو مجسمه کوچک نوک